

یادداشت

نقش مشارکت سیاسی زنان در سالم‌سازی اقتصاد



آذر منصوری

● بنابر آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۴، شاخص مشارکت سیاسی زنان ایران رقمی نزدیک به صفر است. در همین گزارش شاخص مشارکت اقتصادی زنان ایران رقمی به‌مراتب پایین‌تر را به خود اختصاص داده است؛ طوری که رتبه مشارکت سیاسی زنان ایران از بین ۱۴۲ کشور، ۱۳۵ و رتبه مشارکت اقتصادی زنان ایران در این گزارش ۱۳۹ اعلام شده است. از سوی دیگر، مطابق گزارش سازمان جهانی کار، سهم مشارکت زنان ایران در سطح مدیریتی از سال ۲۰۰۶ به این سو تنزل داشته است. بنابر این گزارش‌ها به نظر می‌آید مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان ارتباط درهم‌تنیده‌ای دارند؛ به این مفهوم که هر یک از این شاخص‌ها می‌توانند رابطه علت و معلولی تنگاتنگی با یکدیگر داشته باشند. طرح این شاخص‌ها مقدمه‌ای است برای پرداختن به میزان تأثیرگذاری زنان در سالم‌سازی اقتصاد کشورها و منطبق‌کردن رویکردهای خرد و کلان سیاسی با مقتضیات و واقعیات دنیای امروز. آنچه هنوز ارزباسی دقیقی از آن صورت نگرفته است، میزان و حجم واقعی فسادهای سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی است. علی‌القاعده در صورت برآورد و ارزیابی دقیقی می‌توان به این سؤال نیز با دقت و قطعیت بیشتری پاسخ داد که حضور زنان چه تأثیری در سالم‌سازی اقتصاد کشورها و جوامع مختلف داشته است. از سوی دیگر، با توجه به نرخ مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان باید این موضوع نیز به دقت بررسی شود که آیا به نسبت درصد حضور زنان تغییراتی در این راستا اتفاق افتاده است یا خیر؟ بنابراین طرح موضوع تأثیر زنان در سالم‌سازی اقتصاد کشورها بنابر شواهد و بررسی‌های پرانکده و اجمالی است که تاکنون اتفاق افتاده است.

به نظر می‌آید حضور زنان در عرصه سیاسی، نه‌تنها در حال تبدیل‌شدن به یک موضوع پذیرفته شده در کل دنیاست، بلکه اثرات مثبت این حضور در مناقشات اخیر بین ایران و کشورهای ۵+۱ انکارناپذیر بود. تلاش و اثرگذاری برای تقویت روند گفت‌وگو و صلح، نماد بارز این اثرگذاری است. به‌کارگیری این ظرفیت در ساختار سیاسی کشورها به دلیل نگاه زنانه به امر سیاست و تأثیری است که در جریان‌سازی روند صلح در دنیا به جای خواهد گذاشت، اما بنابر همین اطلاعات عینی که حداقل در تاریخ معاصر کشور ما نیز می‌توان آن را ارزیابی و تا حدودی به آن اتک کرد، کمتر زنی را می‌توان سراغ گرفت که در شکل‌گیری و روند فسادهای پیدا و پنهان دولت‌ها نقش داشته باشد. از سوی دیگر، بررسی عملکرد زنان در شوراها ی اسلامی شهر و روستا که ظرفیت جدیدی برای حضور آنان در مدیریت شهری بود، گزارشی که بر سوءاستفاده مالی زنان عضو از موقعیت خود در این شوراها دلالت کند، به‌مراتب و نسبت به حضورشان کمتر دیده شده است، در مقابل اما حضور زنان در عرصه مدیریت شهری و در نهاد شورا بر سلامت شوراها نیز افزوده است. می‌توان گفت این موضوع نه‌تنها در ایران، بلکه در همه جوامعی که زنان نقشی در قدرت داشته‌اند، انکارناپذیر به نظر می‌رسد. چرایی این موضوع مقالی دیگری می‌خواهد. بی‌دلیل نبوده است که ۱۴۰۰ سال پیش خداوند در آیه ۱۷ سوره حدید می‌فرماید: «زنان و مردانی که در راه خدا تصدیق می‌کنند و در راه آن کار می‌کنند و به خداوند قرض می‌دهند را اجر بزرگی است». هم در سیاست و هم در اقتصاد، در مبانی اعتقادی مسلمانان هیچ تفکیک و تمایزی بین زن و مرد به چشم نمی‌خورد. نه‌تنها تمایزی نیست، بلکه خداوند به هر دو نقش یکسان و برابر داده است و تکلیف برای زنان و مردان مسلمان یکی است.

معاون دبیرکل سازمان ملل:

تبدیل صلح‌یابدار از حرف به عمل مشارکت زنان

● **ایرنا:**معاون دبیرکل سازمان ملل گفت: روشن است که باید برای تغییرات ملموس برای زنان آسیب‌دیده از جنگ تلاش کنیم و ظرفیت استفاده‌ننده زنان برای پیشگیری از این درگیری‌ها را به کار گیریم. کشورها باید بیشتر تلاش کنند تا زنان را به پای میز گفت‌وگوی صلح در همه مذاکرات صلح بیاورند. فومزبل املامبو اکتسوکا در ادامه افزود: جامعه مدنی و جنبش‌های زنان کمک‌های بسیاری به روند تلاش‌های صلح کرده‌اند. می‌دانیم زمانی که نمایندگان جامعه مدنی در توافق‌نامه‌های صلح مشارکت دارند، شانس موفقیت و پایداری بیشتر تا ۶۴درصد افزایش می‌یابد.

سیاست نیمه دیگر

بررسی ارتباط افزایش مشارکت سیاسی زنان با کاهش فساد اقتصادی از منظر پژوهشگران

حضور زنان، فساد کمتر



متغیر جنسیت و فساد اداری و مالی، به تحقیق میدانی در یک جامعه آماری هزار و ۴۰۰فره پرداخته و نهایتا نتیجه گرفته است زنان و مردان به صورت برابر فساد را درک می‌کنند، تعریف فساد را می‌دانند و مؤلفه‌های آن را می‌شناسند، اما نگرش یکسانی نسبت به فساد ندارند و ازهمین‌رو زنان گرایش کمتری نسبت به ارتکاب فساد از خود بروز می‌دهند. براساس یافته‌های این پژوهش، زنان و مردان به اندازه یکسان در برابر درخواست اقدام به فساد و پارتی‌بازی از سوی همکاران و مراجعان قرار می‌گیرند، اما تجربه رفتاری زنان با مردان متفاوت است و کمتر این درخواست را می‌پذیرند. لازم به ذکر است برخی از تحقیقات انجام‌شده در این زمینه فرضیه‌ای را مطرح می‌کند مبنی‌بر اینکه چون امکان دسترسی زنان به سطوح مدیریتی پایین است، پس امکان وقوع فساد اداری در میان آنان کم و محدود است؛ یعنی گروه‌های فساد در دنیا ساختاری مردانه دارند اما به این فرض مسائل دیگری هم اضافه می‌شود. برای مثال برخی اعتقاد دارند عدم ریسک‌پذیری در زنان و محافظه‌کاری آنان که با ترس از قانون و ازدست‌دادن موقعیت اجتماعی و اداری همراه است، نیز یکی دیگر از عوامل کم‌تربودن فساد در جامعه زنان است. روی دیگر سکه آن است که دقت و مسئولیت‌پذیری بالای زنان و پیروی از قانون در میان آنها می‌تواند جزء عوامل کاهش وقوع فساد باشد.

چند پژوهشگر خارجی نیز فساد را از منظر جنسیت بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند هرچا زنان بخش بیشتری از نیروی کار و کرسی‌های مجلس را در اختیار داشته‌اند، فساد کمتری دیده شده است. البته توجه به این پژوهش‌ها و دستاوردهای آنان به معنای نادیده‌گرفتن نقش قوانین، نظام‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و به‌طور کلی شفافیت در گسترش فساد نیست، زیرا پژوهش‌های مذکور دو نگاه را مقابل هم قرار می‌دهد. به‌این‌ترتیب پژوهش‌های «دلار، فیسن و گاتی» به سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد زنان شاعل در دولت‌ها، کمتر از مردان فعال به انجام فساد دارند، اما فرانک و لامیدروف، ۱۰ سال بعد در پژوهش دیگری نتیجه گرفته‌اند که زنان لزوما صادق و مخالف فساد نیستند.

سیده‌فاطمه مقیمی*

زنان سالم‌تر کاری‌کنند

● **برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی حاکی از آن است که دو متغیر میزان فساد اقتصادی و مشارکت سیاسی زنان با هم در ارتباط است. نظر شما درباره اینکه افزایش مشارکت سیاسی زنان موجب کاهش فساد اقتصادی می‌شود، چیست؟**

کاملا موافق هستم. به نظر من بین افزایش مشارکت سیاسی زنان و کاهش فساد اقتصادی حتماً ارتباط وجود دارد؛ به این دلیل که خانم‌ها سالم‌تر کار می‌کنند.

● **اما این نگاه منتقدانی دارد؛ برخی اعتقاد دارند مقررات و قوانین، نظام‌های سیاسی و... نقش مؤثرتری در میزان فساد اقتصادی دارد و نباید به این موضوع نگاه جنسیتی داشت. به این گروه چه پاسخی می‌دهید؟**

من برخلاف آنها اعتقاد دارم جنسیت هم در میزان فساد اثرگذار است.

● **اعتقاد شما به وجود این ارتباط، چه مبنایی دارد؟ براساس تجربه این را می‌گویید یا مؤلفه‌های مشخص‌تری در ذهن دارید؟**

وقتی می‌گویم که زنان سالم‌تر کار می‌کنند، قصد برتری جنسیتی دادن به آنها نیست. اگر واقع‌بینانه‌تر پاسخ دهم، باید بگویم شاید اگر خانم‌ها نیز به اندازه آقایان در حوزه‌های مختلف حاضر باشند و کار کنند، مسیرهای ارتباطاتی را زنتی را پیدا می‌کنند و حتی بدتر از آقایان هم عمل می‌کنند.

● **بیان این مطلب، پاسخ اول شما را نقض می‌کند.**

گفتم که شاید این اتفاق بیفتد، اما اکنون با توجه به شرایط موجود این‌طور نیست. در خیلی از موارد مماشات‌کردن زنان در پیشبرد کارها بسیار است و ما شاهدیم فساد اداری و مالی در بخش‌هایی که زنان حاضر هستند، کمتر است.

● **پس فکر می‌کنید که افزایش مشارکت سیاسی زنان در بستر قوانین و وضعیت موجود ممکن است حتی موجب افزایش فساد هم باشد. درست است؟**

بله، امکان دارد. اگرچه تجربیات ما تاکنون نشان داده است که حضور بیشتر زنان از میزان فساد می‌کاهد، اما نمی‌توان مطمئن بود که حضور زنان ۱۰ سال یا ۲۰ سال آینده هم همین نتیجه را داشته باشد؛ زیرا حتماً تا آن‌وقت زنان بیشتری در عرصه‌های مختلف فعال شده‌اند و شاخص‌های دیگر مانند قوانین و نظارت‌ها نیز احتمالاً تغییراتی کرده است.

● **به نظر شما درنظرگرفتن این تجربیات و احتمالات در شرایط کنونی که کاهش میزان فساد اقتصادی و همه افزایش مشارکت سیاسی زنان به یک هدفغ تبدیل شده است و در روند توسعه کشور اثرگذار است، می‌توان به ارتباط این دو متغیر تکیه کرد و از امکان کاهش فساد اقتصادی به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت سیاسی زنان بهره برد؟**

حتما. من کاملاً با شما موافق هستم و اعتقاد دارم بایزند این دو می‌تواند حاصل خوبی در عرصه سیاست و اقتصاد کشور ایجاد کند.

●**عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران و ایران**

نگاه

زنان، اعتدال‌وتوسعه

منیره صبوری

● امروزه توسعه امری محدود به حوزه مادی و اقتصادی صرف نیست. توسعه همه‌جانبه و متوازن، توسعه پایدار و توسعه انسانی سه بعد مهم توسعه در شرایط نوین به‌شمار می‌رود. رویکردهای توسعه‌محور در هر مقطعی بنابر ضرورت‌های اجتماعی، ضرورت‌های محیطی و نیازهای افراد جامعه و خواسته‌های آنها در قالب گفتمان‌های مشخص نمود پیدا می‌کند که قابلیت رقابت یا هم‌پوشاندگی را دارند. برای مثال گفتمان اصلاحات در حوزه زنان و خانواده در برنامه توسعه، به نقش مستقل زن در جامعه و خانواده و مشارکت فراگیر زنان در همه عرصه‌ها تأکید دارد و گفتمان اصولگرایی به نقش و جایگاه زن در خانواده اهمیت ویژه داده و آن را برجسته می‌کند. درحال‌حاضر رویکرد و اندیشه اعتدال بر مسند اجرا قرار گرفته است و قابلیت لازم برای تبدیل‌شدن به گفتمان هم‌پوشان را داراست. یکی از جلوه‌های گفتمان اعتدال، قریابت آن با گفتمان زنانه است. زیست اعتدالی در میانه و فارغ از افراط و تفریط در اندیشه و عمل قرار دارد. بر این اساس به‌نوعی با گفتمان زنانه مرتبط می‌شود و به طریقی آن در سطح جامعه می‌تواند نهادینه شود. گفتمان زنانه دارای شاخصه‌ها و مؤلفه‌های خاصی در زنان و اندیشه است. البته گفتمان زنانه یا مردانه به معنی تفکیک جنسیتی در حوزه عمل نیست. در حوزه عمل و کنش، افراد بر اساس ظرفیت‌های وجودی خود رفتار و در نقش‌های خود، جدا از بحث جنسیتی، اعمال نقش و مسئولیت می‌کنند. از نظر زنان و اندیشه، شاخص‌های مختلفی چون استفاده از صورت‌های زنانی که بیانگر دآوری‌های عاطفی‌مدار است گفتمان زنانه را شکل می‌دهد. این صورت‌ها در گفتمان زنانه به‌نوعی نقش تبلیغی و انحطافی را بر عهده دارند. زنان و اندیشه نقطه اتصال افراد و ارتباط افراد است، هرچه فرد از قدرت‌تلفیق‌کنندگی و اعتباط‌پذیری برخوردار باشد، به همان نسبت اثربخشی‌اش افزون‌تر و از بار تندی و افراط کاسته می‌شود. زنان در واژگان و اعمال‌نظر، کمتر از عناصر قدرت زورمدارانه بهره می‌گیرند. اعمال قدرت و اقتدار خود را با کلام منطف هماهنگ می‌کنند. گفتمان زنانه در نهادینه‌شدن و اثربخشی گفتمان اعتدال می‌تواند نقش اساسی برعهده داشته باشد. جنسیت به رفتارهای آموخته‌شده اجتماعی و انتظارات جامعه از زن و مرد برمی‌گردد. جنسیت نقش‌های ساده‌شده اجتماعی‌اند که منطبق بر عناصر ذاتی، فیزیکی و ژنتیکی نیستند. برای دستیابی به توسعه انسانی نیاز به برابری جنسیتی است. برابری جنسیتی، به عنوان برابری در برابر قانون، برابری فرصت‌ها و برابری تأثیرگذاری تعریف می‌شود. برابری بر این دلالت دارد که زنان و مردان مختارند نقش‌های متفاوت و مشابه به نتایج متفاوت با مشابه را مطابق با تمایلات و اهداف خود برگزینند. در مسئله توسعه انسانی مسئله توانمندسازی اصلی اساسی است. در نظریه توانمندسازی در حوزه زنان به اهمیت افزایش قدرت تأکید و سعی می‌شود قدرت از نظر توان زن در جهت افزایش خودآینتی و قدرت ذهنی شناسایی شود. این امر به‌صورت حق انتخاب در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخاب جهت تغییرات از راه به‌دست‌گرفتن کنترل منابع مادی و غیرمادی محقق خواهد شد. گفتمان اعتدال در حوزه مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان نیازمند تأکید بر توسعه از منظر توسعه پایدار است. توسعه پایدار دارای سه ویژگی برجسته است:-- بیشتر بر توزیع مبتنی است تا تولید. زنان در فرایند توسعه از منافع بسیار کمتری برخوردارند ولی بار بیشتری را برعهده دارند، برای برخورداری به‌یک‌اندازه و متوازن از منافع و مزایای توسعه، نگاه توزیعی به فرایند توسعه و دسترسی زنان به دستاوردهای آن از اهمیت برخوردار است. - معطوف به آینده است و نه حال. بر این اساس گذشته نابرابر به آینده‌ای برابر تبدیل می‌شود. - بیشتر معطوف به پرورش است تا گسترش. در نگاه پرورش‌مدارانه هدف اصلی، پرورش انسان‌های توسعه‌یافته و شکوفاکردن استعدادهای نهفته انسان است، زنان از این منظر می‌توانند خود را وارد عرصه کنند و برای تثبیت روند توسعه پایدار استعدادهای‌شان را آشکار کنند. در توسعه پایدار، آزادی بیان و مشارکت در روند تصمیم‌گیری‌ها دو عنصر کلیدی است. عدم حضور زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه در نظام تصمیم‌گیری موجب ایجاد خلل در فرایند توسعه پایدار می‌شود. جامعه نیز مبتنی بر دو پایه اصلی زن و مرد است، در صورت عدم وجود یا حضور با لحاظ یک پایه، پایداری محقق نمی‌شود. ایجاد مناسبات دموکراتیک به فضای آزاد برای بیان آزادانه زنان و مردان به‌صورت هم‌پا نیاز دارد تا این فضا نهادینه شود و توسعه پایدار شکل گیرد و تداوم یابد. نکته مهم این است که توسعه در دنیای پسامدرن از کارکردگرایی کلیشه‌ای و شور و شوق به رشد اقتصادی فاصله می‌گیرد و در عوض ملاحظات زیبایی‌شناستی و انسانی بهای بیشتری می‌یابد. اینلاحظات ضرورت حضور گسترده زنان در فرایند توسعه را افزون می‌کند.

هادی حق شناس*

فسادمردانه‌وزنانه‌نیست

● **به نظر شما افزایش مشارکت زنان منجر به کاهش فساد خواهد شد؟**

افزایش مشارکت زنان خیر، اما افزایش مشارکت مردم یا به عبارت دیگر بخش خصوصی در اقتصاد منجر به کاهش فساد اقتصادی خواهد شد؛ ولی فکر نمی‌کنم تفکیک جنسیتی در این زمینه نقش داشته باشد. معمولاً در اقتصادهای دولتی فساد و رانت وجودانی است که سهم بیشتری به بخش خصوصی داده است، وجود دارد؛ اما نمی‌توان اقتصاد را زنانه و مردانه دید.

● **یعنی شما نقش ساختار کشور را مهم‌تر و پررنگ‌تر می‌بینید؟**

● **مسئله دیگری هم وجود دارد و آن تجربه فسادهای کلان در کشور است. نگاهی به پرونده‌های فساد اقتصادی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد زنان به اندازه مردان در گسترش فساد نقش نداشته‌اند. همین مسئله دلیل خوبی نیست که نتیجه بگیریم افزایش مشارکت سیاسی زنان موجب کاهش فساد اقتصادی می‌شود؟**

البته در قضیه مه آفرید خسروی هم چند خانم شرکت داشتند. قبول دارم که اعدامی نداشتیم و می‌توان گفت همه کسانی که در ایران به دلیل فساد اقتصادی اعدام شده‌اند مرد بوده‌اند؛ اما نمی‌توان نتیجه گرفت که افزایش مشارکت سیاسی زنان موجب کاهش فساد اقتصادی می‌شود، زیرا اساساً در اقتصاد نمی‌توان نگاه جنسیتی داشت. وقتی از عامل کار در اقتصاد صحبت می‌شود، اصلاً مهم نیست که این عامل زن است یا مرد؛ بنابراین نمی‌توان به نتیجه‌ای که شما می‌گویید، رسید.

● **وقتی درباره فسادهای کلان اقتصادی و حتی فساد اداری صحبت می‌شود، بحث تا حدی از مباحث و مبانی اقتصادی خارج می‌شود و موضوعات سیاسی و مدیریتی هم در آن نقش دارد. این موضوع را قبول دارید؟**

همین‌طور است؛ بنابراین احتمالاً کارشناسان مدیریت بهتر می‌توانند درباره ارتباط مشارکت سیاسی زنان و فساد اقتصادی نظر دهند. ما وقتی از یک مدیر صحبت می‌کنیم، به زن‌بودن و مردبودن او توجه نمی‌کنیم؛ اما اگر موضوع را در چارچوب اجتماعی بررسی کنیم، شاید بتوان گفت مدیران زن موفق‌تر هستند یا مدیران مرد.

●**نماینده هیات نمایندگان مجلس و کارشناس اقتصادی**